

از مهم‌ترین دلایل جاذبه های مهاجرپذیر بودن چابهار، دورنمای یافتن شغل و فرصت های ایجاد شده توسط پروژه‌های توسعه ای منطقه آزاد، بنادر، پتروشیمی و صنایع فولاد است. این مسئله در کنار دافعه های مبادا که بیشتر روستاهای شهرستان و حتی شهرها و روستاهای دیگر شهرستان های استان را شامل می شود، از جمله خشکسالی و از دست رفتن امکانات زراعت، باغداری و دامپروری، رکود اقتصادی و افزایش بیکاری و... فهم وضعیت مهاجرپذیری چابهار و حوزه فراگیر را ساده تر می کند.

این عوامل چابهار را دومین شهر مهاجرپذیر (بعد از زاهدان) و کنارک را چهارمین شهر مهاجرپذیر استان سیستان و بلوچستان کرده است که بار جمعیتی مضاعفی را به این منطقه تحمیل می کند. علاوه بر جریانات داخل استانی، نشانگرها مهاجرت از دیگر استان ها مانند خراسان جنوبی، کرمان، و هرمزگان را نیز نشان می دهند که در کنار مهاجرت خارجی مانند کشور پاکستان زیرساخت های شهری، مسکن، آموزشی، بهداشتی و درمانی، اشتغال و... را دچار مشکل ساخته است.

جمعیت مهاجر که اغلب به لحاظ وضعیت تحصیلی و آموزشی، اقتصادی، مهارت شغلی به خصوص مهارت لازم برای کار در صنعت و شیلات و... پایین هستند، با تشدید فقر مطلق و نسبی، تغییرات فرهنگی، شکاف اجتماعی، بیکاری، اختلافات فرهنگی و قومیتی، افزایش قیمت زمین و مسکن، بحران آب و آسیب های اجتماعی در منطقه سکونتگاه های برنامه ریزی نشده را گسترش می دهند و موجب افزایش حاشیه های شهری مانند کمب، مرادآباد، عثمان آباد و... می شوند که در حال حاضر بالغ بر 40 هزار نفر را در خود جای داده اند.

جمعیت مهاجر علاوه گسترش سکونتگاه های برنامه ریزی نشده، مناطق سکونتگاهی مانند روستای تیس را نیز تحت تاثیر خود قرار داده اند، به طوری که طی نزدیک به سه دهه جمعیت روستای تیس بیش از سه برابر شده است.

توجه به معضلات ناشی از جابه جایی جمعیت ضرورت و اهمیت بررسی دقیق این رویداد همراه با برنامه ریزی برای کنترل و کاهش آن را دو چندان می کند. از این رو باید برای مهاجرت در دو محور چابهار و حوزه فراگیر آن یک برنامه واقع بینانه و عملی که در راستای مسئولیت اجتماعی سازمان منطقه آزاد چابهار و دیگر دستگاه های متولی و مستقر تدوین و به اجرا گذاشت.

